

# دکتر رابرت ای. پترسون، روح القدس و اتحاد با مسیح، جلسه ۷، مبانی اتحاد با مسیح، عهد عتیق و هم‌نواها

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر رابرت پترسون در تدریس خود در مورد روح القدس و اتحاد با مسیح است. این جلسه ۷، مبانی اتحاد با مسیح، عهد عتیق و هم‌نواها است.

همانطور که به تفکر در مورد مبانی عهد عتیق برای اتحاد با مسیح تحت عنوان پیوستن به قوم خدا ادامه می‌دهیم، بخش کوچکی در مورد بنده رنج‌کشیده داریم.

در حالی که داوود آخرین میانجی مهم عهد در عهد عتیق است، پیامبران از یک میانجی عهد آینده خبر می‌دهند که هم پادشاه داوودی خواهد بود، اشعیا ۹، ۶ و ۷، و هم یک بنده رنج‌کشیده. اشعیا ۹، ۶: زیرا برای ما فرزندی زاده شده، پسری به ما داده شده است، و حکومت بر دوش او خواهد بود، و نام او مشاور شگفت‌انگیز، خدای قادر، پدر سرمدی، شاهزاده صلح نامیده خواهد شد. افزایش حکومت و صلح او، بر تخت داوود و بر پادشاهی او، پایانی نخواهد داشت تا آن را با عدالت و پارسایی، از این زمان به بعد و تا ابد، برقرار و حفظ کند.

و اگر فکر کنیم که این امر به خواست یا قدرت انسان اتفاق خواهد افتاد، خداوند از طریق پیامبر اضافه می‌کند که غیرت خداوند لشکرها این کار را انجام خواهد داد. بنابراین، واسطه عهدی که خواهد آمد پادشاهی از نسل داوود، و همچنین یک خدمتگزار رنج‌کشیده خواهد بود. این خدمتگزار قرار است نوری برای ملت‌ها باشد و به عنوان کسی که نه تنها نماینده اسرائیل، بلکه نماینده تمام مردمان زمین خواهد بود، عمل کند، همانطور که اشعیا ۴۹ و ۶ به ما می‌گوید.

آیا این کار خیلی سبکی است که تو بنده من باشی، تا قبایل یعقوب را برخیزانی و نجات‌یافتگان اسرائیل را، بازگردان، اشعیا ۴۹، ۶؟ من تو را نوری برای ملت‌ها خواهم ساخت، تا نجات من تا اقصی نقاط زمین برسد همانطور که لوقا در کتاب اعمال رسولان نقل می‌کند، همانطور که انجیل به غیریهودیان می‌رود. بنابراین، او مرا سرزنش خواهد کرد، نه فقط مرا توجیه خواهد کرد. بنابراین، او نه تنها نماینده قوم اسرائیل مانند ابراهیم بلکه نماینده همه ملت‌ها مانند آدم خواهد بود. او نه به عنوان یک پادشاه حاکم، بلکه حداقل در اولین ظهورش، اشعیا ۵۳: ۳ و ۴ خواهد بود.

او مورد تحقیر و طرد مردم بود، مردی که غم‌ها را می‌دید و با غم آشنا بود. و مانند کسی که مردم چهره خود را از او می‌پوشانند، مورد تحقیر قرار گرفت و ما او را گرامی نداشتیم. مطمئناً، او غم‌های ما را بر دوش کشیده و غم‌های ما را به دوش کشیده است، با این حال ما او را رنجور، آسیب‌دیده از جانب خدا و رنج‌دیده دانستیم.

آیات ۵ و ۶ از اشعیا ۵۳ به ما می‌گویند که او به خاطر گناهان ما زخمی و به خاطر گناهان ما له شد. تنبیهی که برای ما آرامش به ارمغان آورد بر او نازل شد و با زخم‌های او ما شفا یافتیم. همه ما، مانند گوسفندان گمراه شده‌ایم؛ هر یک را به راه خود کشانده‌ایم، و خداوند گناه همه ما را بر او نهاد.

در فروتنی خود، بنده به عنوان واسطه عهد عمل می‌کند و مجازاتی را که قومش به خاطر گناهانشان سزاوار آن هستند، بر دوش می‌کشد تا بسیاری عادل شمرده شوند. اشعیا ۵۳: ۱۱. رسول، چون بسیاری عادل شمرده خواهند شد، بسیاری را عادل خواهد شمرد و گناهان آنها را بر دوش خواهد کشید.

اشعیا ۱۱:۵۳. پطرس رسول او را در سخنان اشعیا ۵۳ در اول پطرس ۲ آیات ۲۱ و ۲۴ برای ما معرفی می‌کند. پطرس نبوت را از اشعیا نقل می‌کند و مستقیماً آن را به خداوند عیسی نسبت می‌دهد.

، زیرا برای این فراخوانده شده‌اید، زیرا مسیح نیز برای شما رنج کشید و شما را به عنوان نمونه‌ای گذاشت نمونه‌ای گذاشت تا در جای پای او قدم بردارید. او خود، آیه ۲۴، گناهان ما را در بدن خود بر روی درخت حمل کرد تا ما برای گناه بمیریم و برای عدالت زیست کنیم. ۲۲، او هیچ گناهی مرتکب نشد و فریبی در دهانش یافت نشد، نقل قولی از اشعیا ۵۳ است.

ما سه تصویر بزرگ در عهد عتیق، پایه و اساس اتحاد با مسیح را بیان کردیم. اولین تصویر، هویت بود. حضور خدا به قومش هویت می‌بخشد.

آنها قوم او هستند و او خدای آنهاست. دومی، ادغام است. آنها قوم عهد، قوم عهد جمعی شدند.

سومین مورد، مشارکت است. قوم خدا در عهد عتیق در داستان عهد سهیم هستند. ما به عنوان اعضای بدن مسیح با او متحد هستیم و در او به عنوان واسطه نهایی عهد، ادغام شده‌ایم.

ما نیز در عیسی و داستان او سهیم هستیم. ما با او مردیم، با او برخیزانیده شدیم، کولسیان ۲:۲۰، کولسیان و با او نشستیم، افسسیان ۲:۶. عهد عتیق با این اصطلاحات صحبت نمی‌کند، اما مفهوم مشابهی از ۱:۳ مشارکت در داستان خدا دارد، زمانی که خدا قوم خود را در داستان خود می‌گنجاند. در حالی که این ایده در عهد جدید صریح‌تر می‌شود، عهد عتیق قوم خدا را کسانی می‌داند که با ارتباط با او از طریق پیمان‌ها، در روایتی که خدا می‌نویسد، شرکت می‌کنند.

این اصل مشارکت مربوط به مفاهیمی است که قبلاً مطالعه کرده‌ایم. وقتی حضور عهدی خدا قوم خود را می‌سازد و به قوم خود هویت می‌بخشد، آنها حضور او را تجربه می‌کنند و از این طریق در داستان او شرکت می‌کنند. بنابراین، برای مثال، وقتی خدا با ابراهیم و نسل او عهد می‌بندد، از این طریق آنها را در قوم خود جای می‌دهد و ابراهیم، اسحاق و یعقوب خدا را می‌شناسند و او را دوست دارند، زیرا با ایمان و اطاعت با او گام برمی‌دارند.

به یک معنا، مقدسین عهد عتیق حضور خدا را تجربه می‌کنند و به قوم او تعلق دارند، به عنوان پیش‌درآمدی از اتحاد با مسیح که مقدسین عهد جدید از آن بهره‌مند بودند. موارد بیشتری نیز وجود دارد. عهد عتیق همچنین شامل متونی است که در آنها خدا قول می‌دهد روح خود را در قوم خود قرار دهد.

ما دو مورد از آنها را بررسی خواهیم کرد. حزقیال ۳۶:۲۴ تا ۲۸. این متن بدون استفاده از همان کلمات، یک متن عهد جدید است، اما به دلیل ایده‌های منتقل شده، یک متن عهد جدید است.

حزقیال ۳۶:۲۴ تا ۲۸. من شما را از میان ملت‌ها خواهم گرفت و از میان همه کشورهای جمع خواهم کرد و به سرزمین خودتان خواهم آورد. من آب پاک بر شما خواهم پاشید و شما از همه نجاسات و از همه بت‌هایتان پاک خواهید شد.

من شما را پاک خواهم کرد و دلی تازه و روحی تازه در شما خواهم نهاد و دل سنگی شما را از تنتان بیرون خواهم آورد و دلی گوشتی به شما خواهم داد و روح خود را در شما خواهم نهاد و شما را وادار خواهم کرد که طبق فرایض من رفتار کنید و از قوانین من پیروی کنید. شما در سرزمینی که به پدرانانتان می‌دهم ساکن خواهید

شد و قوم من خواهید بود و من خدای شما خواهم بود. در اینجا، خداوند وعده می‌دهد که اسرائیل پراکنده را به سرزمینش بازگرداند.

چرا؟ برای اثبات قداست خود و نشان دادن به ملت‌های اطراف که او خداوند است. حزقیال ۲۲: ۳۶، ۲۳، و حتی ۳۶، که ما نخواندیم. او بیش از این هم انجام خواهد داد.

او کاری بیش از جمع کردن دوباره انجام خواهد داد. او همچنین آنها را از گناهانشان پاک خواهد کرد. آیات ۲۵، ۲۹، ۳۳

او این کار را با دادن قلب و روح تازه انجام خواهد داد. سخنان حزقیال تقریباً به آموزه تجدید حیات در عهد جدید در آیه ۲۶ نزدیک است. من به شما قلبی تازه و روحی تازه خواهم داد که در درونتان خواهم نهاد.

من قلب سنگی شما را از جسمتان بیرون خواهم آورد و قلبی از گوشت به شما خواهم داد. این منجر به تجدید اطاعت از خداوند خواهد شد - آیه ۲۷.

این یک پیشینه مهم عهد عتیق برای سکونت جمعی خدا در قومش است. موضوعی در عهد جدید که به اتحاد با مسیح مرتبط است. حزقیال ۱۱: ۳۷ تا ۱۴.

آنگاه خداوند به حزقیال، ای پسر انسان، فرمود: «این استخوان‌ها تمام خاندان اسرائیل هستند. اینک می‌گویند: استخوان‌های ما خشک شده‌اند و امید ما از بین رفته است. ما واقعاً نابود شده‌ایم»

بنابراین، نبوت کن و به ایشان بگو، خداوند متعال چنین می‌فرماید: ای قوم من، من قبرهای شما را خواهم گشود و شما را از قبرهایتان بیرون خواهم آورد و شما را به سرزمین اسرائیل خواهم آورد.

و ای قوم من، هنگامی که قبرهایتان را بگشایم و شما را از قبرهایتان برخیزانم، خواهید دانست که من خداوند هستم. و روح خود را در شما خواهم نهاد و زنده خواهید شد و شما را در سرزمین خودتان قرار خواهم داد. آنگاه خواهید دانست که من خداوند هستم.

خداوند می‌گوید: من سخن گفته‌ام و آن را انجام خواهم داد. حزقیال ۳۷ موضوعی را که در فصل قبل آغاز شد، ادامه می‌دهد. حزقیال می‌گوید که چگونه قدرت حیات‌بخش ماوراءالطبیعه خداوند، امور را به انجام خواهد رساند.

حزقیال دره‌ای از استخوان‌های خشک می‌بیند و به اطاعت از خدا، برای آنها پیشگویی می‌کند. با کلام پیامبر استخوان‌ها به هم می‌خورند و با رگ و پی و گوشت پوشیده می‌شوند. دوباره، با کلام حزقیال، نفس به اجساد وارد می‌شود و آنها زنده می‌شوند و برمی‌خیزند و لشکری عظیم تشکیل می‌دهند.

آیات ۱ تا ۱۰. این تصویر خداوند را در حال بازآفرینی قوم پراکنده‌اش و بازگرداندن آنها به سرزمینشان به تصویر می‌کشد. آیات ۱۲ و ۱۴.

بار دیگر، سخنان حزقیال، آموزه عهد جدید - آیه ۱۴ - را تداعی می‌کند. من روح خود را در درون تو خواهم نهاد.

تو زنده خواهی ماند. خواهی دانست که من خداوند هستم. من سخن گفته‌ام.

من این کار را خواهم کرد. خدا با دادن و قرار دادن روح خود در درون اسرائیل پراکنده و مرده، آنها را زنده خواهد کرد. در روز پنطیکاست، خدا با قرار دادن روح القدس خود در درون مقدسین عهد جدید، آنها را زنده خواهد کرد.

به پایان مبانی عهد عتیق برای آموزه اتحاد با مسیح در عهد جدید رسیدیم. وقت نتیجه گیری است. گفتن اینکه عهد عتیق اتحاد با مسیح را آموزش می دهد، نابهنگام است.

در عوض، آن را از پیش نشان می دهد. اولین مورد، شناسایی است. خدا در عهد عتیق از طریق حضور عهد خود با قوم خود شناسایی می شود.

با این کار، او به آنها هویت می بخشد. او خدای آنهاست و آنها قوم او هستند. این هویت، اتحاد با مسیح را در عهد جدید به عنوان حضور کامل خدا در عهد، پیشگویی می کند.

همچنین هویت مقدسین عهد جدید را به عنوان کسانی که در مسیح هستند، از پیش نشان می دهد. دوم ادغام. خداوند یک قوم برگزیده را در یک قوم عهد ادغام می کند.

آنها از طریق یک واسطه عهد با خدا ارتباط برقرار می کنند. در عهد عتیق، این واسطه ها شامل آدم، نوح ابراهیم، موسی و داوود می شوند. با این حال، واسطه عهد به طور کامل در قالب کسی ظاهر می شود که هم پادشاه داوود و هم بنده رنج کشیده است، یعنی عیسی مسیح.

او با وساطت خود در مرگش، کفاره گناهان قومش را می دهد و در رستاخیزش، آنها را برای خدا زنده می کند. او بار دوم نه برای رنج کشیدن، بلکه برای سلطنت به عنوان پسر داوود به معنای واقعی کلمه، خواهد آمد. سوم، مشارکت.

قوم خدا در داستان عهد شرکت می کنند. پیشگویی از نحوه قرار گرفتن کلیسا در عهد جدید، در مرگ و رستاخیز عیسی شرکت خواهد کرد. این اتفاق زمانی رخ خواهد داد که پیشگویی های عهد عتیق در مورد روح القدس در عیسی و خدمت او، از جمله پنطیکاست، محقق شوند.

در نهایت، عهد عتیق پایه و اساس درک آموزه عهد جدید در مورد اتحاد با مسیح را بنا می نهد. مبانی اتحاد با مسیح در انجیل های هم نوا. باز هم، من از دستیار آموزشی سابقم، کایل کیتینگ، برای تحقیقات و حتی نوشته های بسیار خوبش قدردانی می کنم.

انجیل های هم نوا ما را با عیسی ناصری آشنا می کنند. ناصری. همه آنها شهادت می دهند که عیسی مسیح خداست، مسیحایی که اسرائیل را نجات خواهد داد و نوری برای ملت ها خواهد شد.

با لوقا ۲:۳۲ مقایسه کنید. اگر عهد عتیق اتحاد با مسیح را پیشگویی می کند، پس انجیل های هم نوا جای معقولی برای شروع جستجوی اتحاد با مسیح در عهد جدید هستند، زیرا آنها داستان عیسی را روایت می کنند. با این حال، اشارات کمی به اتحاد با مسیح در انجیل های هم نوا وجود دارد.

چرا؟ اولاً، انجیل ها بیشتر بر روایت داستان عیسی تمرکز دارند تا تلاش برای توضیح مفاهیم آن به عنوان آموزه های آموزشی. در مواردی که آموزه ها ظاهر می شوند، اغلب به طور غیرمستقیم و به عنوان بخشی از داستان و نه به عنوان خود آموزه ها، این کار را انجام می دهند. ثانیاً، زمینه تاریخی-رستگاری بخش انجیل های هم نوا به این معنی است که بیشتر روایت های آنها پیش از مرگ و رستاخیز مسیح است.

اگر اتحاد با مسیح آموزه‌ای ریشه در مرگ و رستاخیز مسیح داشته باشد، انتظار توضیح کامل آن قبل از وقوع آن وقایع غیرمعمول خواهد بود. با این حال، هر دوی این توضیحات در مورد انجیل یوحنا نیز صادق است که در مقایسه با انجیل‌های هم‌نوا، اشارات بسیار بیشتری به اتحاد دارد. چرا؟ تمام متون یوحنا که به وضوح به اتحاد با مسیح اشاره دارند، منحصر به او هستند و به نظر می‌رسد از منابع منحصر به فردی گرفته شده‌اند.

همچنین، تفاوت‌های موضوعی بین انجیل‌های هم‌نوا و یوحنا، تمرکز متفاوتی را نشان می‌دهد. در حالی که یوحنا بر رابطه بین عیسی و پدر و عیسی و قومش تمرکز دارد، انجیل‌های هم‌نوا در اینجا زمان کمتری را صرف تمرکز بر موضوعات دیگری مانند پادشاهی خدا یا تحقق عهد عتیق توسط عیسی می‌کنند. بنابراین انجیل‌های هم‌نوا در مورد اتحاد با مسیح چه می‌گویند؟ آنها به تأسیس واقعی آن چیزی اشاره می‌کنند که مؤمنان با آن متحد هستند.

وقتی می‌گوییم مؤمنان با مسیح متحد هستند، سؤال ضمنی این است که این مسیح کیست؟ انجیل‌های هم‌نوا به این سؤال پاسخ می‌دهند و هویت و مأموریت عیسی را ارائه می‌دهند. سپس انجیل‌های هم‌نوا پایه الهیاتی اتحاد با مسیح را بنا می‌نهند. علاوه بر این، آنها پایه تاریخی رستگاری واقعی را برای اتحاد بنا می‌کنند.

آنها به ما نشان می‌دهند که کار رهایی‌بخش مسیح در اتحاد با او برای ما به کار گرفته شده است. اتحاد از طریق همان سه مفهومی که در عهد عتیق دیدیم برقرار می‌شود - شناسایی در عیسی به عنوان عمانوئیل و داماد.

مشارکت از طریق عیسی به عنوان واسطه پیمان به طور کامل. مشارکت در داستان عیسی. قبل از اینکه آنها را یکی بررسی کنیم، آنها را تکرار می‌کنم.

شناسایی در عیسی به عنوان عمانوئیل و داماد. ادغام از طریق عیسی به عنوان واسطه عهد به معنای واقعی کلمه. و سه، مشارکت در داستان عیسی.

شناسایی در عیسی به عنوان عمانوئیل و داماد. عیسی به عنوان عمانوئیل. انجیل‌های هم‌نوا وقتی عیسی را به عنوان عمانوئیل معرفی می‌کنند، از نظر شناسایی به اتحاد با مسیح اشاره می‌کنند.

در عهد عتیق، دیدیم که خدا از طریق حضور عهدی خود با قومش، با آنها یکی می‌شود. این مضمون یکی شدن از طریق حضور خدا را در انجیل متی نیز می‌یابیم. متی به اشعیا ۱۴:۷ استناد می‌کند و آن را به تولد عیسی نسبت می‌دهد.

یوسف وقتی می‌فهمد مریم باردار است، گیج می‌شود و به طلاق پی‌سروصدا از او فکر می‌کند تا اینکه فرشته‌ای پیام خوشامدگویی می‌آورد. یوسف، با خیال راحت با او ازدواج کن. آنچه در او قرار گرفته از روح القدس است. متی ۱:۲۰ تا ۲۳.

و نام او را عمانوئیل خواهی نامید، که به معنی خدا با ماست. متی، عیسی را به عنوان حضور خدا در میان قومش معرفی می‌کند. متی دو بار دیگر نیز همین کار را می‌کند.

در متی ۱۸:۱۹ تا ۲۰، عیسی می‌گوید، بروید و همه ملت‌ها را شاگرد من سازید و آنها را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمیم دهید و به آنها تعلیم دهید که هر آنچه به شما فرمان داده‌ام را انجام دهند. و اینک، من همیشه با شما هستم. تا آخر زمان، متی ۲۸:۱۹ و ۲۰.

متی ۱:۲۳، عبارت عمانوئیل، و متی ۲۸:۲۰. چارلز کوارلز، کوارلز، چارلز کوارلز مفهوم مهمی را القا می‌کند کل انجیل را در یک طبقه قرار می‌دهند. وعده‌ای که عیسی در ابتدای انجیل با ما است، در نهایت با اطمینان عیسی محقق می‌شود که می‌گوید: من همیشه با شما هستم، تا پایان عصر، در پایان انجیل.

چارلز ال. کوارلز، الهیاتی از متی، عیسی را به عنوان یک نجات‌دهنده، پادشاه و خالق مجسم آشکار می‌کند این دو وعده حضور عیسی در میان قومش، وعده سومی را در بر دارد. نقل قول، هر جا که دو یا سه نفر به نام من جمع شوند، من در میان آنها هستم.

نقل قول نزدیک، متی ۱۸:۲۰. کوارلز دوباره توضیح می‌دهد: «بنابراین، متی ۱۸:۲۰ عنصری از یک سه‌گانه است که حضور خدا را در میان قومش در شخص عیسی تأیید می‌کند».

خداوند با ملاقات با قوم خود در شخص عیسی، با آنها یکی می‌شود و بدین ترتیب اتحاد با مسیح و روح ساکن او را پیش‌بینی می‌کند. عیسی به عنوان داماد. روایت دیگری از متی و مرقس از نماد ازدواج برای نشان دادن چگونگی یکی شدن عیسی با قوم خود استفاده می‌کند.

متی ۹:۱۴ و ۱۵ شایسته‌ی خواندن است. سپس شاگردان یحیی نزد عیسی آمدند و پرسیدند که چرا ما و فریسیان روزه می‌گیریم، اما شاگردان تو روزه نمی‌گیرند؟ و عیسی به آنها گفت، آیا مهمانان عروسی می‌توانند تا زمانی که داماد با آنهاست، سوگواری کنند؟ روزهایی خواهد آمد که داماد از آنها گرفته می‌شود و آنگاه آنها روزه خواهند گرفت. عیسی از تصاویر عروسی برای نشان دادن مفاهیم حضور خود در میان آنها استفاده می‌کند.

به تفسیر دی. ای. کارسون از انجیل متی گوش دهید. پاسخ عیسی تلویحاً مسیح‌شناسانه بود. او خود داماد، مسیحایی است. «اما اگر عیسی داماد است، عروس کیست؟ در تصاویر عهد عتیق، داماد یهوه و قوم اوست اسرائیل عروس است. اشعیا ۵:۶۲، هوشع ۲:۱۹ و ۲۰ را مقایسه کنید.

اشعیا ۵:۶۲، هوشع ۲:۱۹ و ۲۰. به همین ترتیب، عیسی خود را داماد و قوم خود، کلیسا را عروس خود می‌داند. پولس همان تصویر زناشویی را که در افسسیان ۵:۲۵، ۲۷، اول قرنتیان ۶:۱۵ تا ۲۰، دوم قرنتیان ۵ تا ۱۱ خواهیم دید، برمی‌گزیند. این همان افسسیان ۵:۲۵، ۲۷، اول قرنتیان ۶:۱۵ تا ۲۰، دوم قرنتیان ۱۱:۱ تا ۵ است. در حالی که اجرای این تصویرسازی کار پولس است، سخنان عیسی پایه و اساس آن را بنا ۱۱:۱ می‌نهد.

عیسی داماد است و کلیسا عروس اوست. او با قوم خود همانند است، همانطور که داماد در روز عروسی خود را با عروسش همانند می‌کند. پیوند از طریق عیسی به عنوان میانجی پیمان به بهترین شکل.

بنابراین، ما مضمون هویت را می‌بینیم، عیسی با قوم خود و داماد بودنش با قوم ضمنی خود، قوم خود، کلیسا؛ حضور او در کنار آنها، آنها را به عنوان قوم خدا معرفی می‌کند. حال، ادغام، این تأکید جمعی را که در عهد عتیق دیدیم، به ارمغان می‌آورد. ادغام از طریق عیسی به عنوان واسطه پیمان به طور کامل.

انجیل‌های هم‌نوا، عیسی را به عنوان واسطه نهایی عهد، نماینده نهایی قوم خدا، به تصویر می‌کشند. ما واسطه‌های عهد را در عهد عتیق دیدیم. انجیل‌های هم‌نوا، عیسی را به عنوان اسرائیل جدید و بزرگتر معرفی می‌کنند.

در هنگام تبدیل هیئت ، وقتی پطرس پیشنهاد می دهد که او، یعقوب و یوحنا سه چادر برای مهمانانشان موسی، الیاس و عیسی، بسازند، خدا حرفشان را قطع می کند. لوقا ۹:۳۴، ۳۵. پسر، آیا او حرفشان را قطع می کند؟

پیترو، دوباره داری برداشت اشتباهی می کنی. استاد، خوبه که اینجا سه تا چادر بزیم. ای بابا

یکی برای تو، یکی برای موسی، یکی برای الیاس. لوقا اضافه می کند که او نمی دانست چه می گوید. همانطور که این چیزها را می گفت، لوقا ۹:۳۴.

ابری آمد و بر آنها سایه افکند، ابر حضور الهی، و آنها هنگام ورود به ابر ترسیدند. و صدایی از ابر آمد که «می گفت»: این پسر من است، برگزیده من. به او گوش دهید

. و هنگامی که صدا سخن گفت، عیسی تنها یافت شد. این صدای پدر است که هویت عیسی را توضیح می دهد. او پسر خود خدا، برگزیده اوست.

موسی و الیاس، به نمایندگی از شریعت و نقل قول انبیا، در آیه ۳۱ از عزیمت او که قرار بود در اورشلیم به انجام برسد، سخن گفتند. این اشاره ای جذاب است. من در سخنرانی قبلی به آن اشاره کردم.

شما نمی توانید یک کلمه را دو جور ترجمه کنید. کلمه «عزیمت» به معنای واقعی کلمه «خروج» است. این به معنای رفتن عیسی از این دنیا، مرگ اوست.

اما عزیمت او از این جهان و مرگش بر اثر مصلوب شدن، خروج اوست. این نمونه ای متضاد با رویداد عهد عتیق در مورد رهایی بزرگ مصر از اسارت مصریان بود که به رستگاری بزرگی اشاره داشت که تنها مسیح برای همیشه برای قوم خود به انجام خواهد رساند. کلمات پسر خدا، این پسر من است، پدر از آسمان گفت عیسی را به شیوه ای مشابه پسر خدا بودن اسرائیل در عهد عتیق به تصویر می کشد، همانطور که عیسی، به عنوان نماینده اسرائیل، مسیح است.

عنوان دوم، او پسر من است، برگزیده من، این نتیجه را تأیید می کند. همانطور که اسرائیل قوم برگزیده خداست، عیسی نیز برگزیده خداست، مسیح، که نماینده اسرائیل به عنوان تنها اسرائیلی کاملاً وفادار خواهد بود. دارل باک مختصر و مفید است.

وقتی کسی این دو عنوان، یعنی پسر خدا، برگزیده خدا، را در کنار هم قرار می دهد، عیسی به عنوان بنده» مسیحایی شناخته می شود.» دارل باک، تفسیر تفسیری بیکر بر عهد جدید، لوقا، جلد اول. عیسی به عنوان مسیح، واسطه عهد به تمام معناست.

او واسطه نهبی عهد است که به عنوان نماینده قوم خدا برای ابدیت ایستاده است. متی از طریق یک نسل در ابتدا، از طریق یک شجره نامه در ابتدای انجیل خود، عیسی را به داوود و ابراهیم پیوند می دهد، همانطور که دیده ایم، متی ۱، ۱ تا ۱۷. هم داوود و هم ابراهیم واسطه های عهد عهد عتیق بودند.

شجره نامه متی نشان می دهد که عیسی واسطه عهدی از همان نوع ابراهیم و داوود است، اما او از آنها بزرگتر است. کوارلز متی را یک به یک خلاصه می کند: «عیسی مسیح، پسر داوود، پسر ابراهیم. عیسی داوود جدید پادشاه ما است. او تحقق عهد خدا با داوود است. عیسی ابراهیم جدید، بنیانگذار ما است. او با ایجاد قوم برگزیده جدیدی متشکل از یهودیان و غیریهودیان که مقدس خواهند بود، همانطور که خدا مقدس است و به «عنوان نوری برای ملت ها خدمت خواهد کرد، عهد خدا با ابراهیم را تحقق می بخشد».

عیسی نه تنها واسطه عهد است، بلکه واسطه عهد جدیدی است که توسط انبیای عهد عتیق مانند ارمیا ۳۱ و همانطور که دیدیم، حزقیال ۳۶ و ۳۷ پیشگویی شده است. در شام آخر، عیسی نان را پاره می‌کند و می‌گوید: «این جام، عهد جدید در خون من است» (لوقا ۱۹: ۲۲ و ۲۰) عیسی عهد جدیدی را که واسطه آن است، با مرگ و رستاخیز خود آغاز می‌کند و در شام خداوند مهر و موم و جشن گرفته می‌شود.

هر سه انجیل هم‌نوا، اعتبار مسیحایی عیسی را تأیید می‌کنند. در پایان هر یک از آنها شکی نیست که عیسی مسیح موعود است، پس از واسطه‌های عهد قبلی، آدم، نوح، ابراهیم، موسی و داوود، اما بزرگتر از همه آنها، روی هم رفته. در این شناسایی عیسی به عنوان مسیح، این واقعیت نهفته است که او به عنوان واسطه عهد، نماینده قوم خداست.

انجیل‌های هم‌نوا، با معرفی عیسی به عنوان واسطه‌ی عهد و پیمانی که قوم خدا به او می‌پیوندند و توسط او نمایندگی می‌شوند، پایه و اساسی برای اتحاد با مسیح فراهم می‌کنند. بنابراین، مانند عهد عتیق، در انجیل‌های هم‌نوا نیز می‌بینیم. اول از همه، موضوع هویت مطرح است.

عیسی قوم خود را با خود به عنوان قوم خدا یکی می‌داند، و سپس با ادغامی که در سخنان عیسی در مورد خود و نقش‌هایش به عنوان واسطه عهد و خادم رنج‌کشیده نهفته است، او قوم خود را به عنوان قوم خدا به عنوان افراد، البته، اما همچنین به عنوان یک بدن، به عنوان بدن خود، کلیسا، ادغام می‌کند، همانطور که پولس به صراحت بیان خواهد کرد. سوم، مشارکت در داستان عیسی. سومین موضوع عهد عتیق ما در انجیل هم‌نوا طنین‌انداز است.

انجیل‌های هم‌نوا، توصیف روشنی از داستان عیسی، از تجسم او تا رستاخیزش، ارائه می‌دهند. عبارت مشارکت در برابر اتحاد با مسیح «به این معنی است که ما در داستان او سهیم هستیم. یعنی ما در» رویدادهایی که داستان زندگی عیسی بر روی زمین را شکل می‌دهند، مشارکت داریم.

بنابراین، همانطور که انجیل‌های هم‌نوا داستان عیسی را به تصویر می‌کشند، داستانی را که ما نیز در آن شرکت داریم به ما نشان می‌دهند. انجیل‌های هم‌نوا داستان عیسی را بر اساس آنچه در تاریخ انجام داده است، بیان می‌کنند. اگر مشارکت تضمین‌کننده‌ی سهیم بودن در کاری است که او انجام داده است، آن کار چیست؟ انجیل‌های هم‌نوا، لقاح باکره و تجسم عیسی را ارائه می‌دهند.

متی ۱: ۱۸-۲۵. لوقا ۱: ۲۶-۳۸. لوقا ۲: ۶-۷.

فکر نمی‌کنم آن را خوانده باشیم. و در حالی که آنها در بیت‌لحم بودند، زمان زایمان مریم فرا رسید. و او پسر نخست‌زاده‌اش را به دنیا آورد و او را در قن‌داق پیچید و در آخوری خواباند زیرا جایی برای آنها در مسافرخانه نبود.

متی می‌گوید که این شخص نامگذاری شده است و به یوسف و مریم گفته شد که او را عیسی بنامند، که به معنای نجات‌دهنده یا خداوند نجات می‌دهد زیرا او قوم خود را از گناهانشان نجات می‌دهد. پسر ابدی خدا در عیسی ناصری به انسان تبدیل شد. سنت مسیحی از همان روزهای اولیه خود دریافته است که تجسم عیسی منحصر به فرد است، اما نوعی اتحاد بین انسان و الوهیت برقرار می‌کند.

متکلمان از اصطلاح هیپوستاتیک یا اتحاد شخصی برای توصیف رابطه بین ذات الهی و انسانی عیسی استفاده می‌کنند. پسر الهی ذات انسانی را برای خود برگزید. از این پس او یک شخص با دو ذات است، یکی الهی و دیگری انسانی.

این دو ذات در شخص او متحد شده‌اند و بنابراین، اتحاد آنها یک اتحاد شخصی یا هیپوستاتیک است. اتحاد قوم خدا با مسیح با این اتحاد هیپوستاتیک منحصر به فرد یکسان نیست. ما انسان‌های خدا نیستیم، اما اتحاد هیپوستاتیک راه را برای دیدن اینکه چگونه الوهیت می‌تواند بر بشریت فرود آید و اتحادی بین این دو برقرار کند، هموار می‌کند.

تجسم منحصر به فرد پسر خدا، اساس اتحاد ما با او در رستگاری است. او، پسر ابدی، یک انسان را به خود نگرفت، بلکه طبیعت انسانی را در رحم مریم باکره به خود گرفت. او مادر او بود و آنچه را که هر مادری به و کروموزوم‌ها DNA: پسرش می‌دهد، به او نیز بخشید.

بنابراین او به عنوان پسر نخست‌زاده‌اش متولد شد، اما همیشه پسر ابدی خدا بوده است. تجسم می‌گوید که پسر ابدی نه با به فرزند پذیرفتن یک انسان موجود، بلکه با گرفتن طبیعت انسانی در رحم مریم و به دنیا آمدن به عنوان خدا و انسان در یک شخص، به یک انسان تبدیل شد. این تجسم، اتحاد ما با او را ممکن می‌سازد.

انجیل‌های هم‌نوا، تجسم عیسی را معرفی می‌کنند، اما بر مرگ و رستاخیز او تمرکز دارند. پولس اغلب در مورد این وقایع می‌گوید که مسیحیان متحد هستند. متی، مرقس و لوقا داستانی را روایت می‌کنند که در رساله‌های پولس آمده است که مؤمنان در آن مشارکت دارند.

نتیجه‌گیری برای انجیل‌های هم‌نوا. این بررسی مختصر از اتحاد با مسیح در انجیل‌های هم‌نوا نشان می‌دهد که اتحاد به عنوان یک آموزه، یک آموزه رسمی، وجود ندارد. در عوض، تصویری از اتحاد را می‌یابیم که به معنای تاریخی-رستگاری ارائه شده است.

انجیل‌های هم‌نوا، هویت شخصی را که مؤمنان در رستگاری با او متحد هستند، آشکار می‌کنند. سه انجیل، اول، وقایعی را روایت می‌کنند که پولس بعداً به ما می‌گوید که آنها در آن شرکت دارند. انجیل‌های هم‌نوا عیسی را به عنوان عمانوئیل، خدا با ما، به تصویر می‌کشند که نمایانگر سکونت نهایی خدا با قومش است، که به واسطه زندگی، مرگ و رستاخیز بی‌گناه، عروج و ظهور مجدد او، سکونت کیهانی نهایی خدا با قومش را آغاز می‌کنند، زیرا اورشلیم جدید از آسمان به زمین فرود می‌آید و سپس آسمان و زمین یکی خواهند شد.

این تنها به دلیل مرگ و رستاخیز عیسی امکان‌پذیر است، و این امر تنها به دلیل تجسم او، پیش شرط اساسی کفاره و کار پیروزمندانه او، همراه با زندگی بدون گناهش، امکان‌پذیر است. انجیل‌های هم‌نوا عیسی را به عنوان عمانوئیل به تصویر می‌کشند و به طور نمادین او را به عنوان داماد معرفی می‌کنند و هویت او را با قومش از طریق حضورش در میان آنها نشان می‌دهند. شاگردان، شاگردان من، تا زمانی که داماد با آنهاست، نمی‌توانند روزه بگیرند.

زمانی فرا خواهد رسید که داماد آنها را ترک خواهد کرد و سپس آنها روزه خواهند گرفت. بله، و داماد آنها را تنها نخواهد گذاشت، بلکه روح القدس را خواهد فرستاد، که در میان چیزهای دیگر، آنها را رسماً در نجات فردی و جمعی با مسیح متحد خواهد کرد. انجیل‌های هم‌نوا، عیسی را به عنوان واسطه عهد فراتر از همه، واسطه‌های عهد، واسطه عهد به تمام معنا توصیف می‌کنند، کسی که مؤمنان را در یک جامعه عهد جدید، کلیسای مسیحی، ادغام خواهد کرد.

در نهایت، آنها داستان عیسی را روایت می‌کنند و مؤمنان را به پیروی از او و مشارکت در داستان او به عنوان شاگردان فرا می‌خوانند. در پایان انجیل‌ها، وقایع بنیادی برای اتحاد با مسیح تثبیت شده است. گام بعدی در آشکار کردن پایه و اساس اتحاد با مسیح توسط خدا، عملی کردن آن اتحاد در زندگی کلیسا است.

این همان چیزی است که اکنون در کتاب اعمال رسولان به آن می‌پردازیم. مبانی اتحاد با مسیح در اعمال رسولان. بار دیگر، کایل کیتینگ شریک، همکار و یاور من در این مطالب خوب بود.

اتحاد با پولس آغاز نمی‌شود. ما پایه‌های اتحاد با مسیح را در عهد عتیق، اناجیل هم‌نوا و اکنون اعمال رسولان می‌بینیم. با وجود تأکید بر رستگاری در انجیل لوقا و اعمال رسولان، تأکید بیشتر بر چیستی رستگاری است تا چگونگی رستگاری.

کتاب اعمال رسولان روایتی و گفتاری است و مانند رساله‌ها، آموزه‌های آموزشی مستقیمی ندارد. بنابراین، اگر بپرسیم که آیا این کتاب آموزه خاصی را آموزش می‌دهد یا خیر، سوء تفاهم در درک هدف متن است. بدون شک، هدف از تمام کتب مقدس آموزش قوم خداست، اما باید ژانر اعمال رسولان، یعنی ژانر آن را در ارزیابی اینک که آیا لوقا آموزه اتحاد با مسیح را توضیح می‌دهد یا خیر، در نظر بگیریم.

در اعمال رسولان، همان سه مفهومی را که در دو سرفصل قبلی وجود داشت، می‌بینیم: شناسایی، ادغام، و مشارکت. شناسایی، ادغام، مشارکت. شناسایی در خدمت روح القدس و به طور قابل توجهی، به طرز چشمگیری، در تبدیل پولس.

مشارکت در آیین غسل تعمید. مشارکت در تکرار داستان عیسی و استفاده لوقا از بنده رنج کشیده اشعیا. شناسایی در خدمت روح القدس و تبدیل پولس.

مفهوم هویت به عنوان زیرمجموعه‌ای از اتحاد با مسیح. این مفهوم در خدمت روح القدس و در روایت‌های کتاب اعمال رسولان در مورد تبدیل پولس از بزرگترین آزار دهنده کلیسا به یکی از مدافعان بزرگ کلیسا، ظاهر می‌شود. هویت در خدمت روح القدس.

از منظر تاریخی-رستگاری، پنطیکاست پایه و اساس کتاب اعمال رسولان را بنا می‌نهد. پطرس در خطبه پنطیکاست خود، رسالت عیسی را به کلیسا منتقل می‌کند، زیرا روح القدس موعود بر مردم نازل می‌شود. لوقا در انجیل خود بر روح القدس در تولد عیسی تمرکز می‌کند، اگرچه روح القدس در دو جای کلیدی دیگر نیز ظاهر می‌شود.

لوقا پیشگویی عیسی از پنطیکاست، لوقا ۱۱:۱۳، و تضمین عیسی از هدایت روح القدس به شاگردان در مورد آنچه در مواجهه با آزار و اذیت بگویند را برجسته می‌کند. هر دوی این موارد، پیشگویی تجربه رسولان در اعمال رسولان هنگام مواجهه با آزار و اذیت است. سخنان عیسی در انجیل یوحنا نیز برای ورود روح القدس در پنطیکاست آماده می‌شود.

عیسی می‌گوید که رفتن او نیکوست، تا تسلی‌دهنده بیاید، یوحنا ۱۶:۷. او آنچه را که عیسی است، خواهد گرفت و به شاگردان اعلام خواهد کرد، آیه ۱۵. پس از پنطیکاست، روح القدس بین مسیح و حواریون واسطه خواهد شد، وحی مسیح را گرفته و به آنها خواهد داد. پطرس در خطبه پنطیکاست خود می‌گوید، این عیسی را خدا برخیزانید، و همه ما شاهد آن هستیم.

او که بدین ترتیب در دست راست خدا بالا رفته و وعده روح القدس را از پدر دریافت کرده است، این را ریخته است که شما خود می‌بینید و می‌شنوید، اعمال رسولان ۲:۳۲ و ۳۳. عیسی روح خود را در پنطیکاست بر قوم خود می‌ریزد و پیشگویی عهد عتیق در مورد وعده عهد جدید را تحقق می‌بخشد، نقل قول: روح خود را در درون شما خواهم نهاد، نقل قول نزدیک، حزقیال ۲۷:۳۶. لوقا جزئیات پنطیکاست را توضیح نمی‌دهد، اما بقیه عهد جدید این کار را می‌کند.

رابرت لیتیم یکی از جنبه‌های پنطیکاست را اینگونه توضیح می‌دهد: «روح القدس خواهد آمد تا در مؤمنان ساکن شود و آنها را با مسیح متحد کند.» کتاب لیتیم، «اتحاد با مسیح در کتاب مقدس، تاریخ و الهیات». بنابراین، از نظر رستگاری-تاریخی، پنطیکاست نشانگر اعلام عمومی سکونت روح القدس و آغاز خدمت او در متحد کردن مردم با مسیح است.

بقیه عهد جدید توضیح می‌دهد که در پشت صحنه اعمال رسولان چه می‌گذرد و مؤمنان را با مسیح متحد می‌کند. بنابراین، پنطیکاست به عنوان یک پیش‌نیاز تاریخی-نجات‌بخش برای رسالت روح عمل می‌کند. این لحظه‌ای است که خدا با قوم خود، دوباره با ساکن کردن روح خود در آنها، یکی می‌شود و روح در خدمتی که در بقیه عهد جدید به تفصیل شرح داده شده است، شرکت می‌کند و آن خدمت به عنوان اتحاد با مسیح شناخته می‌شود.

هویت‌یابی در تغییر کیش پولس. ارتباطات معناداری بین تغییر کیش پولس، به ویژه در اعمال رسولان ۹، و الهیات نامه‌های او، از جمله اتحاد با مسیح، وجود دارد. به عنوان مثال، رومیان ۱۱، که یک زندگینامه است، نقش آشکاری در تفکر الهیاتی او ایفا می‌کند.

ساؤل طرسوسی برای آزار و اذیت مسیحیان به دمشق سفر می‌کند. در مسیر، او هنگام ملاقات با مسیح زنده، «نابینا می‌شود. ساؤل می‌پرسد»: خداوند، تو کیستی؟

من عیسی هستم، همان کسی که شما به او جفا می‌کنید، آیات ۴ و ۵. نکته کلیدی در اینجا هویت شخصی عیسی است. اولاً، او خود را خدای تجلی الهی معرفی می‌کند. ثانیاً، عیسی خود را با کلیسای نوپا معرفی می‌کند.

چرا مرا آزار می‌دهی؟ عیسی از ساؤل می‌پرسد، که بدون شک واقعاً گیج شده است. دیوید پترسون، که تفسیر عالی او بر اعمال رسولان یکی از کتاب‌های مورد علاقه من است، می‌گوید که مسیح برخاسته، آزار و اذیت شاگردانش را حمله‌ای به خود می‌دانست و به وضوح خود را با کلیسا یکی می‌دانست. کسانی که با ایمان با مسیح متحد شده‌اند، مانند او رنج می‌کشند و او در مبارزه آنها با آنها احساس همدردی می‌کند.

نقل قول نزدیک. همانطور که کمپبل در کتاب خود، نقل قول پولس و اتحاد با مسیح، می‌گوید، کاتالیزور اصلی برای توسعه الهیات پولس در مورد اتحاد با مسیح را می‌توان سخنان پولس، سخنان عیسی، ببخشید، به پولس در جاده دمشق دانست. نقل قول نزدیک.

روایت لوقا از پنطیکاست و روایت لوقا از ایمان آوردن پولس، تصویری از خودشناسی عیسی با قومش را ترسیم می‌کند که پولس بعداً آن را توضیح می‌دهد و با استفاده از مفهوم اتحاد با مسیح آن را تجربه می‌کند. او با استفاده از مفهوم اتحاد با مسیح، آن را توضیح می‌دهد و گسترش می‌دهد. ادغام در آیین غسل تعمید مسیحی.

جنبه‌ی ادغام در اتحاد با مسیح در کتاب اعمال رسولان، عمدتاً به صورت تعمید به نام عیسی ظاهر می‌شود. تعمید به عنوان نشان ورود به قوم خدا عمل می‌کند، نشانه‌ای که شامل یهودیان و غیریهودیان می‌شود. پطرس در پایان خطبه‌ی پنطیکاست خود، در آیه‌ی ۲۳۸، دستور می‌دهد که هر یک از شما، برای بخشش گناهانتان، به نام عیسی توبه کنید و تعمید بگیرید و هدیه‌ی روح‌القدس را دریافت خواهید کرد.

آیه ۴۱، «کسانی که کلام او را دریافت کردند» نشان می‌دهد که پطرس ایمان را به طور ضمنی در دستورات خود برای توبه و تعمید گنجانده است. آیه ۴۱ درباره کسانی صحبت می‌کند که کلام او را دریافت کردند. ما

دوباره می‌خوانیم و اشاره می‌کنیم که دستور توبه، توبه ایمانی بود، یعنی ایمان به بازگشت از گناه، توبه، روی آوردن به مسیح همانطور که در انجیل ارائه شده است، ایمان

این یک استنباط منطقی است. آیه ۴۱، «کسانی که کلام او را دریافت کردند» نشان می‌دهد که پطرس ایمان را به طور ضمنی در دستورات توبه و تعمید گنجانده است. اما پطرس عمداً پاسخ انجیل را به عنوان توبه و تعمید خلاصه می‌کند.

توبه مستلزم آن است؛ توبه مستلزم این است که جمعیت تشخیص دهند که عیسی را رد کرده‌اند. آیه ۲۳، در حالی که غسل تعمید شامل ایمان است و به عنوان تغییر در وفاداری عمل می‌کند، جمعیت یهودی زمانی دشمن عیسی بودند. آنها اکنون در او تعمید می‌یابند.

بنابراین، غسل تعمید به نشان عضویت در عهد جدید، نشانه‌ی پیوستن به عیسی و در نتیجه، به قوم او تبدیل می‌شود. اعمال رسولان فاقد زبان معمول پولس در مسیح است. نزدیکترین چیزی که به این شباهت می‌بینیم، در بحث لوقا در مورد خدمت به نام عیسی است.

لوقا حداقل ۱۲ بار در سراسر کتاب اعمال رسولان از این عبارت برای اشاره به خدمت رسولان، به ویژه در شفا و غسل تعمید، استفاده می‌کند. کریگ کینر خاطرنشان می‌کند که افرادی که به نام او تعمید می‌گرفتند، مشخص می‌کردند که پیرو چه کسی خواهند بود. *اعمال رسولان کینر، تفسیری تفسیری*

ما نمی‌توانیم استنباط کنیم که لوقا قصد داشته در اعمال رسولان، اتحاد با مسیح را بیان کند. غسل تعمید تجلی فیزیکی توبه و ایمان و همچنین پیوستن به کلیسا است. غسل تعمید، به نام عیسی، بیش از آنکه بیان اتحاد با مسیح باشد، بیان مالکیت است.

غسل تعمید در اعمال رسولان اعلام می‌کند، نقل قول می‌کنم، این غسل تعمید عیسی است، و کسانی که به نام عیسی تعمید می‌گیرند، پیروان او هستند. فعلاً باید آن را جمع‌بندی کنیم و در سخنرانی بعدی‌مان، وقتی درباره مشارکت در تکرار داستان عیسی در اعمال رسولان و استفاده لوقا از بنده رنج‌کشیده اشعیا صحبت می‌کنیم، دوباره به آن پردازیم.

این دکتر رابرت پترسون در آموزه‌هایش در مورد روح‌القدس و اتحاد با مسیح است. این جلسه ۷، مبانی اتحاد با مسیح، عهد عتیق و هم‌نواها است.